

۰/۵	<p>۳- نوع ادبی هر یک از متن های زیر را بنویسید.</p> <p>الف- چون رایت عشق آن جهانگیر شد چون به لیلی آسمان گیر</p> <p>برداشت دل ز کار او بخت درمانده پدر به کار او سخت</p> <p>ب- بگير ای جوان دست درویش پير نه خود را بیفکن که دستم بگیر</p> <p>خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است.</p> <p>۴- نام نویسندگان آثار زیر را بنویسید.</p> <p>الف- مرصادالعباد ب- دیوان کبیر ج- عباس میرزا آغازگری تنها: د- روزها:</p>
۲	<p>قلمرو فکری</p> <p>۱- با توجه به عبارت های زیر به سوالات پاسخ دهید.</p> <p>«از لحاظ آشنایی با ادبیات، سعدی برای من به منزله شیر آغوز بود برای طفل که پا به عضله و استخوان بندی او را می نهد. ذوق ادبی من از همان آغاز با آشنایی با این آثار پر توقع شد و خود را بر سکوی بلندی قرارداد آنجا که مربی کارآموزده ای نداشتم در همین کورمال کورمال ادبی آغاز به راه رفتن کردم.»</p> <p>الف- چرا نویسنده آشنایی خود را با آثار سعدی به شیر آغوز مانند کرده است.</p> <p>ب- منظور از «کورمال کورمال ادبی» چیست؟</p> <p>ج- چرا نویسنده عبارت «ذوق ادبی من پر توقع شد» را به کار برده است؟</p> <p>۲- با توجه به سروده های زیر پاسخ دهید.</p> <p>«شبی را تا شبی» با لشکری خرد زتن ها سر، زسرها خود افکند</p> <p>چو لشکر گرد بر گردش گرفتند چو کشتی بادپا در رود افکند</p> <p>الف- منظور از قسمت مشخص شده چیست؟</p> <p>ب- شخصیت داستان بعد از محاصره شدن چه کرد؟</p> <p>۳- با توجه به عبارت «تا این عارضه افتاده بود، بونصر نامه های رسیده را، به خط خویش نکت بیرون می آورد و از بسیاری نکت چیزی که درا و کراهتی نبود، می فرستاد فرود سربای، بدست من و من به آغاجی خادم می دادم»</p> <p>الف- منظور از «عارضه» چیست؟</p> <p>ب- وظیفه بونصر در ایام مورد نظر چه بوده است؟</p> <p>د- «آغامی خادم» چه شغلی در دربار سلطان شعر داشت؟</p> <p>۴- معنی و مفهوم عبارت و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.</p> <p>الف- اگر او به وعده گوید که دم دگر ببایم همه وعده مگر باشد بفریبد او شما</p> <p>ب- این شیخ همیشه شاب، هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار</p> <p>ج- خویشتن را ذضیعتکی حلال خردند و فراخ تر بتوانند زیست.</p> <p>د- نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست</p> <p>ر- اگر یک لحظه امشب دیر جنبد سپیده دم جهان در خون نشیند</p> <p>ز- از عمر من آنچه هست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای</p>
۱/۵	<p>۴</p>

ح- شما معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است
ه- نبشته آمد و به توقیع موکد گشت و و مبشران برفتند.

زندگی خالی نیست

مهربانی هست، سبب هست، ایمان هست

آری تا شقایق هست زندگی باید کرد

سراب پهری



limoonad
Education For All